

میراث ۹۹ ساله

دربارهٔ روزنامهٔ اطلاعات در سومین سال گرد درگذشت سید محمود دعایی



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

بهانه یا انگیزه اصلی شمارهٔ امروز «هم‌میهن» در پرداختن به سیدمحمود دعایی رئیس فقید مؤسسهٔ دیرپای اطلاعات (روزنامه و نشریات) سومین سال گرد خاموشی او در ۱۵ خرداد ۱۴۰۱ است که چون با سال گرد درگذشت امام خمینی مقارن شده به ناچار وا کمی تأخیر وبعد از تعطیلات به آن پرداخته شده است.

اگر چه او به عنوان یک فعال سیاسی میانه‌رو با سابقهٔ مبارزات خارج از ایران و مشخصاً در عراق و بعد از انقلاب هم با چند دورهٔ نمایندگی مجلس شورای اسلامی و مورد وثوق و اعتماد شخص رهبر فقید انقلاب شناخته می‌شد اما نام او بیشتر با «اطلاعات» گره خورده؛ چندان که اطلاعات پیش از انقلاب را با نام عباس مسعودی به یاد می‌آوریم و اطلاعات بعد از انقلاب را با نام سیدمحمود دعایی و حالا این میراث پس از یک دورهٔ سه‌ساله بعد از دعایی (با مدیریت سیدعباس صالحی) در اختیار عبدالرضا ایزدپناه قرار گرفته است.

از سوی دیگر تا ۱۰۰ ساله شدن روزنامهٔ اطلاعات زمان زیادی باقی نمانده و شاید به همین خاطر بود که کیهان هم به تازگی ورود خود به ۸۴ سالگی را یادآور شد در حالی که به‌مدیران قبل از خود نگاه مثبتی ندارد و جدای مصباح‌زادهٔ بنیان‌گذار به سبب پیش از انقلاب، این‌ناهم‌رانی شامل مدیران بعد از انقلاب -دکتر بزدی، سیدمحمد خاتمی و قاعدتاً حتی مهدی نصیری- هم می‌شود هر چند این آخری را فعلاً بنا ندارند در نقش اپوزیسیون به رسمیت بشناسند و با سیدمحمد اصغری کاری ندارند.

دربارهٔ وجه دیگر آقای دعایی شاید یک نقل قول کفایت کند و آن هم این سخن استاد باستانی‌پاریزی است که جایی نوشته بود: «در خواست‌هایم از مقامات بالا را به وسیلهٔ روحانی صاحب‌دلی به دست‌شان می‌رساندم و بسیاری از آنها پاسخ مثبت گرفته است» و در ادامه این شعر را آورده بود:

مگر صاحب‌دلی روزی به‌رحمت کند در حق مسکینان، دعایی

واژهٔ «دعایی» را هم درشت‌تر نوشته بود تا بدانیم مراد او کیست! ۴۵ سال قبل و در بیستم اردیبهشت ۱۳۵۹ و پس از آن که مؤسسهٔ اطلاعات در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت، امام خمینی، سیدمحموددعایی‌را به‌عنوان «سرپرست روزنامهٔ اطلاعات» منصوب کرد و در حکم خود یادآور شد: «روزنامهٔ اطلاعات، مربوط به مستضعفین است.»

برخلاف اطلاعات در این ۴۵ سال طیفی از لیبرال و نواندیش دینی و اصول‌گرای رادیکال، کیهان را این سو و آن سو هدایت کرده‌اند و از ۳۰ سال قبل البته فراتر از یک روزنامه و به عنوان نماد رادیکال‌ترین بخش سیاسی در جمهوری اسلامی در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و دیپلماسی شناخته می‌شود. روزنامه‌ای که در ببحوجهٔ انقلاب، تریبون چهر‌ترین چپ‌ها بود و نقش کمونیست‌ها و مجاهدین را در انقلاب عمداً آگراندیسیمان می‌کرد و پررنگ‌تر نشان می‌داد و اکنون که هیچ‌یک از آنها نیستند رادیکالیسم را در قالب ازمان خواهی انقلابی اما با قرائت حذقی و اصرار مستمر بر یک‌دست‌سازی حاکمیت و خروج از مذاکرات هسته‌ای و بستن تنگهٔ هرمز به گونه‌ای دیگر دنبال می‌کند و تأثیر آن هم ربطی به شمارگان آن ندارد و هر قدر دعایی با مخالفان در اطلاعات مهربان بود، همتای او در کیهان با غیرخودی‌ها نامهربان است و از این رو بهترین معرفی برای هر یک شاید خصوصیات رفتاری برخلاف آن دیگری باشد تا از یک‌صنف‌مصداق («تعرف‌الاشیاء‌باضدادها») باشند!

وقتی صحبت از بنیاد مستضعفان به میان می‌آید بلافاصله واژهٔ «امصادره» -به ذهن متبادر می‌شود. خود دعایی اما عنوان «مصادره‌ای» را برای آن نمی‌پسندید و جدای اشاره به بدهی‌های بانکی مسعودی‌ها کوشید به نوعی رضایت فرزند سناتور عباس مسعودی را که در سال‌های آخر مالک و صاحب روزنامه به حساب می‌آمد جلب کند و ظاهراً ادعایی مطرح نکرد و حتی گویا سهم و حتی هم برای او در نظر گرفته بود. کافی است مقایسه‌شود با وضعیت کیهان و مصباح‌زاده در حالی که عباس مسعودی سال ۱۳۵۳ درگذشت و در نظر داشته باشیم که کیهان مدعی خارج از ایران دارد و اطلاعات، نه.

اگر دعایی هیچ کار دیگری نکرده باشد جز همین یک فکر باز قابل توجه است و متفاوت و متمایز با دیگر مصادره‌ها در جمهوری اسلامی.

در نظر داشته باشیم مقالهٔ توهین‌آمیز به امام خمینی در ۱۷ دی ۱۳۵۶ در روزنامهٔ اطلاعات منتشر شد و همین بهانه کافی بود تا دعایی هیچ حقی برای فرهاد مسعودی قائل نباشد اما می‌دانست که آن مطلب خارج از ارادهٔ او تحمیل شده بود.

به‌عنوان مثال، اطلاعات، مثل انتشارات امیرکبیر نشد که تا لحظهٔ آخر چشم جعفری بینان‌گذار آن دنبال مؤسسهٔ خود بود و مصادره‌کنندگان را هرگز نبخود و گفت چطور چاپ چهار تا کتاب شاهی را دیدید ولی انتشار «انقلاب شکرد کویا»؟ «ژان پل سارتر» را نه؟ اگر چه بخشی از اموال خود را پس گرفت اما نگاهی به وضعیت امروز انتشارات امیرکبیر گویای واقعیت‌هاست و نشان می‌دهد چه بر سر این برند آوردند. دعایی هیچ نکرده باشد حداقل برنر را نابود نکرد. جالب است اشاره شود اولین سردبیر روزنامهٔ اطلاعات در دورهٔ دعایی، شمس‌آل احمد برادر جلال‌آل احمد بود که سرمقاله‌های تأثیر‌گذاری می‌نوشت و نیاز به توضیح ندارد که هر چه حذف‌ها در حاکمیت بیشتر شد، مجال‌ها هم تنگ‌تر شد و شمس‌آل احمد هم نماند. با این حال دعایی شیوهٔ اعتدالی را رها نکرد و در ادامهٔ راه

سرمقاله‌های جلال رفیع و سردبیری او هم به همان سبک و سیاق بود و چه‌بسا اگر از مهر ۵۹ جنگ درنمی‌گرفت آن فضا را به شکل محسوس‌تری ادامه می‌داد.

این توصیفات احتمالاً به مذاق کسانی خوش نمی‌آید که جدای انگ مصادره‌ای و وابستگی حکومتی اطلاعات را به عنوان روزنامه‌ای آفموتر یا خنثی می‌شناسند؛ مثلاً از جنس سیاست‌مداری مرحوم دکتر حسن حبیبی و در روزگار ما دکتر محمدرضا عارف که شز ندارند اما خیرشان هم به کسی نمی‌رسد! هر چند که عارف کنونی اگر چه به نسبت عارف دوران خاتمی پیرتر شده اما دست‌کم هدایت ماشین عظیم بوروکراسی دولت را بر عهده گرفته و عصای دست پزشکیان شده در حالی که رئیس جمهوری به اذعان چندباره خود چندان اهل بوروکراسی و پروتکل‌های اداری نیست و در مجلس هم که بود بیشتر راه می‌رفت تا بنشینند و در نشست‌ها هم سرگرم خواندن بود تا نشینن مباحثات‌نمایندگان.

اگر چه گفتم نه‌شری می‌رساندند و نه خبری امادربارهٔ دعایی باید گفت انصافاً خیر رسان بود و در عرصهٔ سیاست نیز همین اطلاعات به ظاهر خنثی در بزنگاه‌ها چراغی روشن کرده و اگر چه ادامه نداده اما نقش آفرین بوده است؛ مواردی چون:

مقالهٔ «مذاکره مستقیم» عطاءالله مهاجرانی در سال ۱۳۶۹ یا ستون «دو کلمه حرف حساب» یا گل آقا به قلم کیومرث صابری یا مقالات حجتی کرمانی و حتی قبل‌ترها سعیدی سیرجانی و استفاده از قلم امثال باستانی‌پارزی.

در صفحات لایي نویسنده‌گانی قلم می‌زدند که از استاندارد نثر روزنامه‌نگاری بسیار بالاتر بودند و به برخی اشاره شد و اسلامی ندوشن و ادیب برومند را هم می‌توان بر آنها افزود.

اگر تصور می‌شود میدان دادن به این نام‌ها کنش سیاسی نبوده و مخاطره‌ای نداشته و به تعبیر گل آقا اطلاعات نقش سوپاپ رابازی می‌کرده اما اولاً می‌توان به سرنوشت سعیدی سیرجانی اشاره کرد و ثانیاً به یاد آورد که سال ۸۸ محسن حسین موسوی اولین کنفرانس خبری خود به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری را در روزنامهٔ اطلاعات برپا کرد و اگر گفته شود تنها استفاده از امکان فیزیکی تالار آن بوده اما آن تیتیر درشت پس از راهپیمایی ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ چه که جز از اطلاعات برنمی‌آید یا نوشته‌های از سردار علایی در سال‌های بعدتر که سروصدا کرد.

ماندگار شدن سیدمحموددعایی در روزنامهٔ اطلاعات بعد از درگذشت رهبر فقید انقلاب جدای شیوه‌های مدیریتی و منش شخصی او البته به این خاطر هم بود که آیت‌الله خامنه‌ای در اولین پیام پس از انتخاب به رهبری جدید جمهوری اسلامی ایران همهٔ احکام امام خمینی را ابقا و تجدید کردند تا جایی که اگر کسی را به عنوان امام جمعهٔ تهران منصوب نمی‌کنند به خاطر آن است که حکم امام به خودشان استمرار دارد و باقی‌امامان جمعه همچنان موقت به حساب می‌آیند.

جدای انگ همیشگی «خنثی» که دربارهٔ آن گفته شد نقد دیگر به اطلاعات دوران دعایی این بود که خروجی آن با امکانات و قدمت اطلاعات متناسب نیست و کافی است به مجلات آن نگاه کنیم که در دههٔ ۵۰ خورشیدی در تهران سه میلیون ۲۰۰ هزار تیراژ داشتند و با احتساب جمعیت خنلوار دو میلیون مخاطب و حالا در شهر ۱۰ میلیون از آن ارقام خبری نیست.

این واقعیت‌ها البته غیرقابل انکار است اما باید در نظر داشت اطلاعات، نه دولتی است نه خصوصی و نه تعاونی و نه حتی مانند همشهری ذیل عنوان «عمومی» می‌گنجد و وضعیت خاص و منحصر به‌فردی دارد و همین چراغ را هم دعایی روشن نگاه داشت و به شدت بیم آن می‌رفت که بعد از او ناپید و تمام همت آقای صالحی در سه سال گذشته همین بوده که همان سنت ادامه یابد و اکنون نیز مهمترین انتظار از رئیس جدید استمرار آن راه و پاس داشت آن میراث است و خوشبختانه‌وعدهٔ او نیز همین است.

اشاره شد که به زودی اطلاعات ۱۰۰ ساله می‌شود و به این بهانه می‌توان از دو افسوس گفت.

نخست همان که به تعبیر عطاءالله مهاجرانی -که خود نویسندهٔ ستون «نقد حال» اطلاعات بوده- هنوز یک روزنامه نداریم که در منطقه‌منتظر آن باشند.

دیگر این که اگر چه مجلاتی چون «فیلم» و «بخارا» و «تجربه» ۲۰ سالگی را دیده‌اند ولی بسیار نشریات دیگر می‌توانستند طبعاً نه ۱۰۰ یا ۵۰ ساله که دست‌کم ربع قرن را پشت سر گذارند تا وضعیت رسانه‌های مکتوب و کاغذی و چاپی به این وضعیت نیفتد و مهم‌تر مرجیت‌رسانه‌ای به بیرون مرزها انتقال نیابد.

سخن از اطلاعات حالا ۹۹ سال است و به نام‌هایی چون شمس آل احمد، جلال رفیع، کیومرث صابری فومنی، عطاءالله مهاجرانی و محمدجواد حجتی کرمانی اشاره شد و از نویسندگان کلاسیک باسابقه پیش از انقلاب نیز به سعیدی سیرجانی، باستانی‌پاریزی، اسلامی‌ندوشن و ادیب برومند اما به اهل فرهنگ و ادب نباید محدود ماند و به یادآوریم دعایی بود که برای سیدمحمد خاتمی و محمدجواد ظریف بعد از اتمام مسئولیت‌های رسمی دفتری در نظر گرفت و کتاب اخیر ظریف را هم انتشارات اطلاعات منتشر کرده است (پایاب شکیبایی).

در اشاره به فعالیت‌های جانبی روزنامهٔ اطلاعات جفاست اگر به اطلاعات سیاسی -اقتصادی اشاره نشود که محمد قوچانی یک بار نقش آن را مانند کیهان فرهنگی و آدینه و دنیای سخن و البته مهرنامهٔ خود دانسته بود و صحت این ادعا با این نام‌ها به عنوان شورای مشاوران روشن‌تر می‌شود: حسین بشیریه، جواد شیخ‌الاسلامی، احمد تقی‌ب‌زاده، محمود سریع‌القلم، محمدعلی همایون کاتوزیان، پرویز پیران، سعید حجاریان و حتی مصطفی رحیمی. ←

تیتریک HEADLINE ONE

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

در نشست خبری اعضای جبهه پایداری مطرح شد

ادعای تحویل اورانیوم ۹۳ درصد از آمریکا به شاه

کردند، یک ماه نگذشت. شرکت فلان به علت تخلف از قوانین آمریکا، ۸۲۲۶۰ دلار جریمه می‌شود. ۱۵ مرداد ۹۴، یک شرکت دیگر ۸۱۵۲۱۷ دلار جریمه می‌شود. ۱۶ مرداد یک شرکت دیگر ۷۷ میلیون دلار به خاطر ارتباط با ایران جریمه می‌شود.»

نبویان گفت: «آمریکایک راکتور تحقیقاتی ۵مگاواتی به ایران داده (راکتور تهران) که برای یک میلیون بیمار سرطانی رادیودارو تولید می‌کند. آمریکا قبل از انقلاب سوخت آن را هم می‌داد. سوخت آن چند درصد بود؟ ۹۳ درصد! الان به ما می‌گویند چرا ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کنید. اوایل انقلاب پول ما را گرفتند و سوخت ندادند. اوایل انقلاب آن را ۲۰ درصد کردیم. به ما سوخت ندادند، از آرزاتنین تهیه کردیم، سال ۱۳۸۹ تمام می‌شد. ما از سال ۱۳۸۸ شروع به نامه‌نگاری کردیم که به ما سوخت بدهید برای بیماران می‌خواهیم. به ما نفروختند. گفتم خودمان تولید می‌کنیم. گفتند نباید این کار را بکنید. تازه ما را مسخره هم کردند که شما می‌خواهید ۲۰ درصد تولید کنید؟ گفتند شما ۳/۵ تا ۵ درصد را بدهید. در ازای آن سوخت بدیم. گفتم معاوضه باید داخل کشور انجام شود. نه تعویض را قبول کردند، نه فرستادند و نه به ما فروختند. مجبور شدیم خودمان آن را تولید کنیم.»

▼اصحاب «ما نمی‌توانیم» دنبال رفع تحریم‌ها هستند

سیدمحمودنبویان، عضو ارشد جبهه پایداری درباره ادعای آمریکا درباره غنی‌سازی صفر درصد در ایران گفت: «آمریکا در این مذاکرات ۵ بار تاکید کرد که غنی‌سازی ایران باید بر چیده شود. پس حوزه‌های برق، پزشکی و صنایع چه می‌شود؟ ادعایشان این است که شما غنی‌سازی را حذف کنید، ما به شما می‌دهیم. اولین پاسخ این است که جناب آمریکا شما حذف کنید، ما به شما می‌دهیم. ملت ایران این توانایی را دارد؟ بله. همین الان آب سنگینی که ما تولید می‌کنیم، آمریکا یکی از جدی‌ترین خریداران تولیدات ایران است. اگر بد است، شما چرا دارید؟ اگر خوب است، ما چرا نداشته‌باشیم؟»

نبویان ادامه داد: «در برجام از ما تعهد گرفتند، ببینید چه شد؟! گفتند بتن‌ریزی کنید در رآکتور اراک، انجام دادیم. سالتتریفیوژ بالاتر از نسل ۱ نداشته باشید، همه را جمع کردیم. غنی‌سازی ۲۰ درصد را بگذارید کنار و ۳/۶۷ غنی‌سازی کنید، انجام دادیم. این جمله برای آقا ظریف است که می‌گوید ۹۲ درصد نظارت‌های آژانس در طول تاریخ در جهان، بعد از برجام در ایران انجام شده. هر چه گفتند را ما پذیرفتیم. برای اینکه مدیون نشویم، دوستان ما بیشتر از مقداری که آن‌ها می‌خواستند انجام دادیم. تحریم‌ها چه شد؟ ما به چند بهانه تحریمیم؟ هسته‌ای، موشکی، منطقه و... گفتند فقط هسته‌ای، قبول کردیم. در تحریم‌های هسته‌ای فقط تحریم‌های ثانویه و نه اولیه، قبول کردیم. آن تحریم‌های ثانویه‌ای که با قوانین داخلی آمریکا مغایرت دارد را برنمی‌داریم، گفتمی‌باشد.»

او ادامه داد: «۲۳ تیر ۱۳۹۴ برجام امضا شد. ۷ مرداد ۹۴ ما را تحریم



گزارش دو

آخرین وضعیت تخلیه خانه اندیشمندان علوم انسانی از سوی شهرداری تهران

خانه فعلا سرپاست



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

سال گذشته شهرداری تهران برای تصرف «خانه اندیشمندان علوم انسانی» جنجال عجیبی به راه انداخت اما موفق نشد به نیت خود برسد و به شکایت در مراجع قضایی روی آورد. روز گذشته شهردار منطقه ۶، رئیس مرکز حقوقی شهرداری به همراه دادورز (شعبه یک اجرای احکام) برای اجرای حکم وارد ساختمان خانه اندیشمندان علوم انسانی شدند. به نظر می‌رسد این تنها حکم تخلیه‌ای است که ماده ۴۷۷ به سرانجام رسیده است. چراکه رای دادگاه تجدیدنظر به نفع خانه اندیشمندان صادر شده بود و شهرداری مجدداً این موضوع را از طریق ماده ۴۷۷ پیگیری کرد. برخی از اعضای شورای شهر تهران مانند مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران و نرجس سلیمانی، رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی در حال پیگیری اجرا نشدن این حکم بودند اما نمایندگان شهرداری که در ساختمان حاضر بودند از یک جایی به بعد ترجیح دادند تا زمانی که در خانه اندیشمندان حضور دارند به تماس‌های آنها پاسخ ندهند. برخی از مدیران خانه اندیشمندان این یافشاری شهرداری برای تخلیه ساختمان را به دلیل آن می‌دانند که شهرداری نتوانسته است بر خانه اندیشمندان مدیریت کند. البته شائبه‌ای مبنی بر یک دوفوریت برای واگذاری این ساختمان به خانه اندیشمندان قوت گرفته بود که اقدام به تخلیه ساختمان را پیش‌دستی شهرداری می‌دانست برای آن که ساختمان به خانه اندیشمندان واگذار نشود. اما این شائبه تاکنون توسط هیچ یک از اعضای شورای شهر تهران تایید نشده است.

▼تخلیه در اولین روز هفته

همه چیز تقریباً آرام بود تا سه روز پیش که امین توکلی‌زاده، معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در صفحه ایکس خود نوشت: «خانه اندیشمندان به کار خود ادامه خواهد داد و تا توسعه دایره آن خدمات بیشتری به نخبگان و اندیشمندان داده خواهد شد. انشاءالله با اجرای قانون و تدبیر پیش‌بینی‌شده به‌گونه‌ای اقدام خواهد شد که ضمن اجرای قانون نظر اهل دانشی که تعلق

گزارش یک

در نشست خبری اعضای جبهه پایداری مطرح شد

کردند، یک ماه نگذشت. شرکت فلان به علت تخلف از قوانین آمریکا، ۸۲۲۶۰ دلار جریمه می‌شود. ۱۵ مرداد ۹۴، یک شرکت دیگر ۸۱۵۲۱۷ دلار جریمه می‌شود. ۱۶ مرداد یک شرکت دیگر ۷۷ میلیون دلار به خاطر ارتباط با ایران جریمه می‌شود.»

نبویان گفت: «آمریکایک راکتور تحقیقاتی ۵مگاواتی به ایران داده (راکتور تهران) که برای یک میلیون بیمار سرطانی رادیودارو تولید می‌کند. آمریکا قبل از انقلاب سوخت آن را هم می‌داد. سوخت آن چند درصد بود؟ ۹۳ درصد! الان به ما می‌گویند چرا ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کنید. اوایل انقلاب پول ما را گرفتند و سوخت ندادند. اوایل انقلاب آن را ۲۰ درصد کردیم. به ما سوخت ندادند، از آرزاتنین تهیه کردیم، سال ۱۳۸۹ تمام می‌شد. ما از سال ۱۳۸۸ شروع به نامه‌نگاری کردیم که به ما سوخت بدهید برای بیماران می‌خواهیم. به ما نفروختند. گفتم خودمان تولید می‌کنیم. گفتند نباید این کار را بکنید. تازه ما را مسخره هم کردند که شما می‌خواهید ۲۰ درصد تولید کنید؟ گفتند شما ۳/۵ تا ۵ درصد را بدهید. در ازای آن سوخت بدیم. گفتم معاوضه باید داخل کشور انجام شود. نه تعویض را قبول کردند، نه فرستادند و نه به ما فروختند. مجبور شدیم خودمان آن را تولید کنیم.»

▼روحانی و ظریف هر وقت می‌آیند یعنی تعطیلی غنی‌سازی

او درباره مذاکرات سعدآباد گفت: «اولین دوره‌ای که مذاکرات هسته‌ای ما آغاز شد بین سال‌های ۸۲ تا ۸۴ مسئولیت مذاکرات بر عهده آقای روحانی بود و ایشان زیر بار تعلیق دو ساله غنی‌سازی رفت. غنی‌سازی تعطیل. یوسی اف اصفهان تعطیل، آب سنگین و نظنز و واردات هم تعطیل. خود آقای روحانی می‌گوید ما بیشتر از چیزی که آن‌ها خواستند انجام دادیم.»

نبویان ادامه داد: «روحانی و ظریف هر وقت می‌آیند یعنی تعطیلی غنی‌سازی ما. این ۹۲ درصد بازرسی که گفتم، سابقه دارد. قبلاً هم این اجازه را دادند. این عین جمله [روحانی] است. گشودن درهایش به سوی یکی از مداخله‌آمیزترین و گسترده‌ترین بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. این کارها را انجام دادید. چه شد؟ مراکز نظامی چه شد؟ اجازه دادند. در پارچین، لویزان و شیان، سایت کلاهپوز (وارد شدند). صاحبه‌دانشمندان را هم اجازه دادند. هر چه خواستند ما انجام دادیم. راضی شدند؟»

او درباره حق غنی‌سازی ایران بر مبنای NPT گفت: «کار ملت ایران قانونی است. نمایندگان آمریکا قلدری می‌کنند. ملت ایران سابقه شکستن گردن قلدرها را دارد. آن‌هایی که از اصحاب «ما نمی‌توانیم» هستند، نگاه‌شان به آن

گزارش دو

آخرین وضعیت تخلیه خانه اندیشمندان علوم انسانی از سوی شهرداری تهران

خانه فعلا سرپاست

خطاری به این مکان دارند نیز تأمین گردد.» این نوشته همچون آرامش پیش از طوفان بود. روز روز پیش هم در صفحه ایکس خود نوشت: «همه ما دلسوز خانه اندیشمندانیم. امروز آزمونی است برای پاسداری از دوازش بزرگ: ۱. حرمت اندیشه و استقلال نخبگان. ۲. حراست از بیت‌العمل و قانونم‌داری. به جای آنکه اعتبار نخبگان را سیر تخلفات کنیم، بیایید با هم: - از کیان علمی این نهاد پاسداری کنیم. -منتخلفان را به قانون ارجاع دهیم.»

درست است که معاون اجتماعی شهرداری از دلسوزی خانه اندیشمندان خبر می‌دهد و از پاسداری کبان علمی دم می‌زند اما شهرداری روز اول هفته اقدام به تخلیه خانه اندیشمندان کرد. ظهر روز گذشته سیدمرتضی روحانی، شهردار منطقه ۶ تهران و مقداد محتشم‌آرا، مدیرکل حقوقی شهرداری برای اجرای حکم تخلیه‌وارد ساختمان خانه اندیشمندان علوم انسانی شدند. خبرنگاران پس از مطلع ش‌دن از این موضوع خود را به ساختمان خانه اندیشمندان رساندند. مدیران خانه اندیشمندان از حضور خبرنگاران استقبال کردند، اما شهرداری و دادورز شعبه یک اجرای احکام از حضور آنها مانعت کرد تا درباره «نحوه اجرای دقیق حکم» در جلسه‌ای پشت درهای بسته تصمیم‌گیری شود.

▼ساختمانی به‌مو سه خصوصی نمی‌دهیم

مقداد محتشم‌آرا، رئیس مرکز حقوقی شهرداری تهران، پس از این جلسه تأکید کرد: «شهرداری تهران رای دادگاه دارد که قرارداد واگذاری خانه اندیشمندان علوم انسانی از اساس باطل بوده است. یکی از دلایل ابطال این قرارداد این است که مدیران وقت شهرداری که این ملک را واگذار کرده‌اند، مشمول قانون منع مداخله بوده‌اند و نمی‌شود یک مدیر که مشمول این قانون است، یک ملک را به خودش اجاره دهد. این مشکل باید برطرف شود.»

او با اشاره به اینکه با اندیشمندان مشکلی نداریم، گفت: «موسسه خانه اندیشمندان علوم انسانی یکی از مکان‌های حقوقی جامعه ما است که در کنار آن، موسسات بسیار دیگری نیز در همین زمینه‌فعالیت می‌کنند. بحث ما با خانه اندیشمندان این است که علاوه بر این که شما باید در این مرکز فعالیت کنید و با قدرت به کار خودتان ادامه دهید و شهرداری در این زمینه نهایت همکاری را با خانه اندیشمندان داده است، باید امکانی فراهم شود که همه مردم بتوانند از این فضا استفاده کنند. در واقع، الان ملکی در یکی از بهترین نقاط شهر در اختیار

